

م. ع. اطرافى

افغانستان قربانى اشتباهات و دسايس نا فرجام بازيگران داخلى, منطقوى و جهانى

دسايس و جنايات در افغانستان تحت پوشش شريعت, دموكراسى و حقوق بشر فربينده در عمل پياده شده ميروند. علل اصلى و اساسى ادامه جنگها در افغانستان تحريك نفاق, تفرقه, خصومت هاى مى و تفوق طلبى هاى قومى و نژادى ميباشد كه از جانب دشمنان افغانستان پلانگذارى و تحريك ميگردد و از جانب قوم گرايان افراطى و نژاد پرستان و عقب گرايان مذهبي و ظلمت اندیشان كه نه كار با ذهنيت هاى منجمد در ضديت با وحدت مى, تساوى حقوق اتباع كشور, عدالت اجتماعى, دموكراسى سالم و انتخابات شفاف روى ادعاهاى اقليت و اكثريت و اسلام سياسى و احساساتى عملى ميگردد كه بالاى كافه ملت بيسواد حتى بعضى باسوادان و تنگ نظران تعليم يافته نيز تخيلات و تصورات منفى و فربينده را در مغزهاى شان ايجاد و خلق نموده كه هر نوع تغييرات, تحولات, اصلاحات و

نوآوریها را در جهت پیشرفت، ترقی کشور، وحدت و حاکمیت ملی تخریب و سبوتاژ مینمایند.

به پشتوانه نیمچه ملاحی دیوبند اندیش و طالب نماهای تاریک فکرنمیگذارند که افغانها از فیض وبرکت دانش عصری، علوم ساینس وتکنالوژی برخوردارومستفید شوند. روی همین اهداف عقب گرایانه و دشمنانه مکاتب را آتش میزنند، شاگردان واستادان را ترور میکنند، بروی دختران دانش آموز تیزاب میپاشند و درصنوف مکاتب شان سم پاشی مینمایند واین بربریت ها را زیرپوشش شریعت تنها درحق افغانها روا میدارند که دستان جنایت کاران داخلی وخارجی درآن دخیل وملوث هست. مراجع مسئول داخلی، بین المللی، دینی ومذهبی در برابرآن خاموشی اختیار کرده اند و کدام عمل مؤثری را انجام نداده اند که جلوان گرفته میشود.

ازجانب دیگرشبکات استخبارات خارجی درسراسر کشور گسترش یافته که سرو صدای های بیشترآن درارگانهای دولتی و اقشار مختلف جامعه بالا گرفته است که اراده وتصامیم ملی افغانها را تحت کنترول ونظارت شان درآورده و حاکمیت ملی افغانستان را به

گروگان گرفته اند. از جانب دیگر بیش از سه دهه میشود که جنگ و خون ریزی بدون هدف آشکار در افغانستان با وحشت و بربریت ادامه دارد و فروکش نمیکند. با اشغال، مداخله و حضور نظامی قدرت های خارجی در افغانستان و ادعاهای بلند بالای مبارزه با تروریسم، کشت و قاچاق مواد مخدر، گراف جنایات سازمان یافته، جنگ های تروریستی و قاچاق مواد مخدر در افغانستان نه تنها نزول نکرد بلکه قوس صعودی خود را می پیماید. یک قشر فاسد و رشوت خور و مافیای مواد مخدر در ارگانهای دولتی و سایر ارگانها ابقاء و حاکم ساخته شده که حلقات آن وسیعتر و بزرگتر شده میرود. مبارزه با فساد اداری به برنامه شبخند مبدل شده نتایج عملی نداشته و نخواهد داشت. مبارزه با فساد ایجاب مینماید که مهره ها و عاملین فساد از همه ارگانهای دولتی و غیردولتی تصفیه شده بروند، بعوض و بجای شان شخصیت های پاک نفس، ملی، با تقوا و صادق تعیین و مقرر شوند تا افغانستان را از بحران مضمّن، فساد اداری، بی اعتمادی، جنگ و خون ریزی نجات بدهند. در موجودیت عناصر و مهره های بلند رتبه فساد در سطوح مختلف دولت و جامعه،

تأسیس ادارات پُر زرق و برق مبارزه با فساد هیچ کارمثمیری را انجام نداده اند که درد مردم را دوا کرده باشند. بلکه خودشان آهسته آهسته در دام فساد خواهند افتید. رهبری دولت از مبارزه صادقانه با فساد حمایت نمی نمایند زیرا برادران، اقارب دوستان شان تا گلودر فساد غرق هستند. سارنوالی و اداره قضاء این کار را بدون اراده قاطع رئیس جمهور نمیکنند زیرا موقف شخصی شان در خطر می افتد و ادارات خود شان به فساد اداری ملوث شده است. خارجی ها هم این کار را نمیکنند زیرا در موجودیت شخصیت های پاکنفس، ملی و صادق در ارگانهای دولتی نفوذ و حاکمیت شان را از دست میدهند. صرف با یک دستورویا اخطاریه اکتفا میکنند تا به سویه جهانی رفع مسئولیت نمایند. آقای اوباما هم به آقای کرزی شش ماه وقت داده بود که دستگاه دولت خود را از فساد پاک نماید، فراموش اش شد که آنرا دنبال میکرد. در سطوح داخلی و خارجی برای بیرون رفتن از اوضاع و حالت بحرانی کنونی هم هیچ برنامه مدبرانه و صادقانه مشاهده نمیشود که قانون بالای همه یکسان تطبیق شود تا جلوفساد، چورو چپاول، استخراج غیر قانونی

معادن و خروج غیرقانونی و قاچاق ملیاردها دالرپول نقد از کشور گرفته میشد و دالرهای دزدیده شده و نامشروع در خود افغانستان سرمایه گذاری میشد. سرمایه های نامشروع و فراری شان قانونیت پیدا میکرد. هم قاچاقبران مالک سرمایه های قانونی میشدند و هم کشور ما از سرمایه گذاری مذکور مستفید میشد.

هموطنان عزیز و گرامی! بیایید که باهم مشوره و تبادل نظر و تشریک مساعی نماییم که علل و منشاء بحرانهای خونین، خصومت ها، جنایات سازمان یافته، ادامه جنگها و فساد گسترده را در کشور خود مطالعه و جستجو نماییم تا به اشتراک و مساعی همدیگر علل، منشاء و مهره های آنرا تشخیص و پیدا کنیم و بالای مراجع امنیتی، حقوقی و قضایی کشور مشترک فشار وارد نماییم که اقدامات جدی و قانونی را در زمینه اتخاذ نمایند. همچنان درباره اینکه کدام حلقات داخلی و کدام همسایه های افغانستان و کدام قدرت های خارجی برای کدام اهداف و منظورها کشور ما را به بحرانهای خونین و جنایات دوام دار بشری کشانیده اند که دورنماهای کشور ما تاریک رقم زده است، باید این

اهداف، منظورها و دسایس شان را درپلانها و برنامه های قصیرالمدت تاکتیکی ویا طویل المدت ستراتیژیکی شان مورد مطالعه و ارزیابی قرار بدهیم تا درزمینه به برداشت و تفاهم مشترک دست یابیم و درراه حلهای آن مشترکن کارومبارزه نماییم. **باید متوجه شد که بدون وحدت نظر و عملکردهای مشترک هیچ کاری مفید سیاسی و اجتماعی را انجام داده نمیتوانیم.**

از اوضاع و جریانات سه دهه اخیرکشورما بخصوص ازدهه اول قرن بیست و یکم استنباط میشود که اشتباهات و دسایس عریان وپنهان ازجانب بعضی فرزندان ناخلف افغان، همسایه هاوقدرت های جهانی علیه افغانستان بخاطراهداف ومقاصد ذیل بکارگرفته شده است که افغانستان را نگذاشته اند که به سوی صلح، آرامش و ثبات گام بردارد:

- قدرت های نظامی تک قطبی درافغانستان درهراس اند از اینکه به سرنوشت شوروی ها درافغانستان دچارنگردند. از هرگونه برنامه های که افغانستان را قوی، نیرومند، خودکفا، متحد ومجهز با سلاحهای پیشرفته نظامی بسازند طفره میروند که افغانستان

ضعیف, ناتوان و محتاج نگه داشته شود تا مشکل برای شان خلق و ایجاد نکند.

- افغانستان در جمله اعمار اتحاد شوروی وقت نزد قدرت های یک قطبی سابقه دارد که در ردیف کشورهای عراق, لیبیا, یمن, سومالی و سوریه تحت ضربات کوبنده نظامی تروریزم و ضد تروریزم قرار گرفته که دورنمای ختم و انجام آن دیده نمیشود.

- بازار قاچاق مواد مخدر و عواید ناشی از آن گرم است که توجه خاص تروریزم و ضد تروریزم را به خود جلب کرده که روی همین دلیل بعد از ورود عساکر خارجی در افغانستان و شدت جنگ با تروریزم کشت و قاچاق مواد مخدر نیز سر صعودی خود را پیموده و می پیماید, که ملیارد ها دالر مفاد از مدرک آن مفت و رایگان بدست میاید.

- ذخایر سرشار معادن افغانستان که شامل فلزات ثقیله و کریمه, نفت و گاز, یورانیم, سنگ های کریمه و جواهرات و مواد کمیاب زمین میباشد که مورد توجه خاص تروریزم و ضد تروریزم و بعضی همسایه های افغانستان قرار گرفته است. معادن یورانیم, احجار کریمه, جواهرات و مواد کمیاب زمین که مواد گران

بها هستند در جریان جنگها و ناامنی ها به استخراج غیر قانونی آن مبادرت شده تصفیه نشده به یغما برده شده و میشوند.

- پاکستان بار دیگر بعد از توافق با امریکا و ناتو که راه ترانزیتی اموال شان را از طریق پاکستان اجازه داد حملات راکتی شان را بالای ولایات سرحدی افغانستان بخصوص ولایت کنر از سر گرفت که خون هموطنان ما را ریخته میروند، که با خون سردی از جانب دولت مردان افغانستان مواجه گردیده. اینکه در خون سردی و بی تفاوتی دولت چه راز های نهفته است که از مردم پنهان نگه داشته میشود، برای مردم افغانستان به یک معما مبدل شده است.

- موقعیت ستراتژیک جغرافیایی افغانستان و چهار راهی ترانزیت و انتقالات بسوی شرق و غرب و شمال و جنوب برای قدرت های تک قطبی و دوقطبی از اهمیت خاص ستراتژیک برخوردار میباشد که هر دو قطب تلاش دارند که کنترل این شاهراه ها را در افغانستان تحت نفوذ خود داشته باشند. از لحاظ اهمیت ستراتژیک نظامی و سوق الجیشی، افغانستان برای قدرتهای دوقطبی اهمیت حیاتی دارد و برای

قدرتهای یک قطبی یک گام به پیش پنداشته میشود.
روی دلایل فوق احتمالان جنگ های ترورستی و نیابتی
در افغانستان برای مدت های طولانی ادامه خواهد
یافت.

اگر جنایات کشور خود، افغانستان را از زاویه معیارهای
شریعت اسلامی و اعلامیه حقوق بشر تحت تحلیل و
ارزیابی قرار بدهیم به این نتیجه میرسیم که جنایات
انجام شده مغایر موازین شریعت اسلامی و حقوق
بشر صورت گرفته است. تنها چیزیکه استنباط شده
میتواند اینست که جنایات مذکور تحت پوشش شریعت
اسلامی و حقوق بشر انجام شده و میشود تا از بروز
حقایق جنایات و خشم مردم جلو گیری شده باشد
و جهانیان از حقایق موضوع در تاریکی نگه داشته
شوند.

نوجوانان، بینوایان و طلبه مدارس را مغزشویی
و پیچکاری کردن آنها را بحیث روبات ها تبدیل کردن،
خود و مردم بیگناه را با بمهای انتحاری کشتن بدترین
و وقیح ترین جنایت تاریخ است که تحت پرده شریعت
و حقوق بشر انجام میشود که مسئولیت عام و تام آن
متوجه رده های بالایی تروریزم و شبکات استخباراتی

میباشد که در کشور پاکستان اقامت و بود و باش دارند و از آنجا فعالیت میکنند. باید چنین جنایات نا بخشودنی را که از جانب رهبران ورده های بالایی تروریزم پلان گذاری، قومانده و دستور داده و مرتکب میشوند دستگیر و به پنجه قانون سپرده شوند تا به جزای اعمال شان برسند.

امریکا، ایساف و ناتو در مدت ده سال مبارزه با تروریزم، تمام قدرت و توانایی شانرا در جنگ های گرم بر ضد رده های پایین تروریزم که از روبات ها، قربانیان و اجیران مزدور بیش نیستند بخرچ دادند و کمتر نتیجه بدست آوردند. بلکه تروریزم روز بروز تقویت شده رفت که زمینه استخراج غیرقانونی معادن گران بهار در سراسر کشور در نا امنی ها فراهم ساخت که به یغما برده میشود.

اگر امریکا و ناتو فعالیت های ضد ترورستی شان را متوجه رده های بالایی و مسئولین اصلی تروریزم میساختند و یا پاکستان را از جانب شورای امنیت ملل متحد تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار میدادند که از پناه دادن به رده های بالایی تروریزم در خاک

پاکستان دست بردار میشد، امروز فعالیت های ترورستی در پاکستان، افغانستان و جهان وجود نمیداشت. با قتل مرموز بن لادن، رهبری تروریزم سقوط نکرده احتمالان در رده های بالایی و متوسط تروریزم ده ها بن لادن در حال تبارز و خیزش باشند که بعد از مرگ بن لادن جنگ های ترورستی را با وسعت و شدت بیشتر ادامه داده اند.

دورنمای فضای سیاسی، اقتصادی و نظامی در افغانستان غبار آلود به نظر میرسد. همه بازیگران داخلی، منطقی و جهانی در موجودیت دولت فاسد، نابکار و رشوت خور در پی برنامه ریزی اهداف و منافع شخصی شان به افغانستان هجوم آورده اند تا در تقسیم ذخایر معدنی افغانستان اسهام شانرا بدست آورند. در معاملات اقتصادی و قرارداد های استخراج معادن افغانستان شفافیت وجود ندارد. منافع ملی افغانستان را لگد مال کرده میروند. رهبری دولت فاسد، رشوت خور و بی کفایت، افغانستان را آله دست خارجی ها ساخته، تلاش دارد که تحت شعار جنگ های زرگری، تبلیغات زرگری، تخریبات و انتقادات زرگری خود را به مردم ملی جلوه دهد و با دادن امتیاز به خارجی ها

در عقد قرارداد های استخراج غیر شفاف معادن از کیسه ملت افغانستان به عمر دولت فاسد خود بیافزایند. و حمایت خارجی ها را از دست ندهند. زیرا بدون حمایت خارجی ها دولت فاسد بیش از یک ماه زندگی کرده نمیتواند. از جانب دیگر دولت فاسد با وضع قوانین و مقررات ضد دموکراتیک و تفرقه افکن علیه دموکراسی، ایجاد دولت های حزبی، ملی و مردمی سنگ اندازی میکند. توجه فرمایید، ده سال قبل در قانون احزاب برای تعداد احزاب نا محدود اجازه فعالیت داده شد که در حدود بیش از یکصد و ده حزب رسماً ثبت دفتر گردید. برای احزاب سبسایدی هم تعیین گردید. یکتعداد اشخاص بخاطر دریافت سبسایدی حزب ساختند. بعضی دیگر پول سبسایدی را غنیمت شمردند. با ایجاد چنین تفرقه افگنی بین احزاب، دولت توانست در دو دوره انتخابات گذشته احزاب را شکست بدهد و براریکه قدرت دولتی بدون دغدغه به حاکمیت خود ادامه دادند. در حال حاضر که دولت فاسد اعتبار و مشروعیت خود را در داخل و خارج از دست داده و احزاب سیاسی هم بسوی ایجاد وحدت، اتحاد و جبهات متحد ملی گام برداشته و در حال پیشرفت هستند و بحیث

قدرت مخالف دولت در عرصه سیاست عرض اندام کرده، امید های دولت فاسد را به یأس مبدل ساخته اند. دولت هم بنوبه خود در صدد در هم شکستن وحدت احزاب برآمده و مجلس وزرا را مقرره ایرا به تصویب رسانید که قانونیت همه احزاب را ملغی قرار داد. برای ثبت مجدد شان شرایطی را در مقرره وضع کرد که احزاب باید حداقل در بیست ولایت افغانستان نمایندگی داشته باشد تا بعدن بحیث حزب رسمی پذیرفته، ثبت و راجستر شوند. در شرایط کنونی جنگ و نا امنی که مقرر ریاست جمهوری و وزارت دفاع افغانستان هم مصئونیت ندارد در این وقت نازک که انتخابات ریاست جمهوری کمتر از یک ونیم سال باقیمانده، احزاب چطور میتوانند دفاتر نمایندگی شانرا در این مدت کوتاه در بیست ولایت نا امن افغانستان افتتاح نمایند. کدام مرجع و اداره تضمین مصئونیت شان را میکند و یا کرده میتواند!! فرض کنیم که احزاب همین کار را هم بکنند وقت شان در افتتاح نمایندگیها سپری میشود فرصت اشتراک را در انتخابات ریاست جمهوری از دست میدهند. این طرح مبهم و غیر عملی در واقعیت

امر بخاطر محروم ساختن احزاب سیاسی از اشتراک در انتخابات سال ۱۴۰۲ . بر نامه ریزی شده است .
از لحاظ مصالح و منافع ملی ایجاب میکرد که دولت بعوض طرح افتتاح نمایندگی در بیست ولایت , تعداد احزاب را از یکصد ده حزب به دوالی پنج حزب تحدید میکرد تا همه احزاب در بین احزاب تحدید شده متحد میشدند و یک قوت بزرگ سیاسی و ملی را تشکیل میدادند که در برابر دسایس و حوادث ناگوار کشور متحدن به پشتوانه مردم مقاومت و از کشور و منابع سرشار معادن افغانستان در عقد قرارداد های شفاف و استخراج قانونی معادن افغانستان حفاظت و و حراست میکرد .

بعد از عقد قراردادهای ستر اثریک افغانستان با امریکا , بعضی کشورهای اروپایی , هندوستان و چین زمینه قانونی , فصل نوین و روابط پایه دار دوستانه فراهم شده است که منافع ملی دوستان ستر اثریک با منافع ملی افغانستان هم آهنگ ساخته شود . در تقویت روابط دوستانه , اعاده صلح و ثبات در افغانستان , تقویت قدرت دفاعی افغانستان که از خود مستقلانه دفاع کرده بتواند مشترکن کار و مساعی به خرچ داده شود تا

افغانستان به همکاری دوستان ستراتژیک خود جنگ، خونریزی و بی اعتمادی را پشت سر گذاشته بسوی صلح، دموکراسی، انتخابات شفاف، اداره عاری از فساد و رهبری سالم، پیشرفت و ترقی کشور عودت و اسکان مجدد مهاجرین افغان از ایران و پاکستان گامهای متین و استوار بردارد. مردم افغانستان چشمداشت چنین روابط دوستانه و عادلانه دوجانبه را دارند و انتظار دارند که چنین روابط دوستانه را در عمل مشاهده نمایند. مانع عمده‌ی که در این راستا وجود دارد سه ضلع یک مثلث است که عبارت از فساد اداری، استخراج غیرقانونی و دستبرد معادن گران بهای افغانستان و ادامه جنگ‌های ترورستی میباشد که بالای افغانستان تحمیل شده و میشود. درموجدیت مثلث متذکره که اشتراکات منافع باهم دارند نه بحران فروکش میکند و نه دوستی‌ها قوام پیدا کرده میتواند. با وعده‌ها و گفتارهای بی عمل مشکل حل شده نمیتواند. از گذشته‌های نه چندان دور به اینطرف یک‌عده سیاستمداران جهان آنقدر دروغ‌های شاخدار گفتند و مردم را فریب داده‌اند که دیگر مردم به گفته‌های سیاستمداران اعتماد و باور نمی‌کنند مگر اینکه گفتارهای

شان توأم با عمل باشد تا محک قضاوت و اعتماد مردم
قرار بگیرند. گذشت زمان خلوص نیت و روش های
آینده دوستان متحد ستراتژیک و هم پیمانان افغانستان را
بزودی واضح و روشن میسازد.

۲۱ سرطان ۱۳۹۱